

درس یازدهم

۹ تا ۱۵ مارس

هفت مصیبت آخر

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۱، باب ۷ آیات ۱ تا ۳، باب ۱۴ آیات ۹ و ۱۰، باب ۱۶ آیات ۱ تا ۱۲، باب ۱۷ آیه ۱؛ دانیال باب ۵؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۶؛ دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۲.

آیه حفظی: « کیست ای خداوند که از تو خوف نداشته باشد و کیست که تو را جلال ندهد؟ زیرا تو تنها مقدسی، همه ملل خواهند آمد و در پیشگاه تو پرستش خواهند نمود زیرا کارهای عادلانه تو بر هیچ کس پوشیده نیست » (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۴).

مکاشفه یوحنا باب ۱۱ آیه ۱۸، وقایع روی زمین را درست پیش از جنگ آرماگدون (نبرد نهایی بین خیر و شر) این چنین خلاصه می کند: این وضعیت امور بر روی زمین با شرح ایام آخر عیسی تطبیق دارد (لوقا ۲۱: ۲۵) و با غضب خدا ادامه خواهد یافت، که داوری او به شکل آخرین هفت بلایا بر توبه ناکندگان فرود خواهد آمد (مکاشفه ۱۵: ۱).

مکاشفه یوحنا باب ۱۵ با تصویری از هفت فرشته با هفت جام پر از غضب الهی آغاز می شود. اما قبل از ریخته شدن غضب، نگاهی اجمالی به آینده مردم وفادار خواهیم انداخت (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیات ۱ تا ۴). آنان بعنوان فاتحانی به تصویر کشیده شده اند که بر حیوان وحشی و پیکره او و عدد اسمش پیروز شده بودند (مکاشفه ۱۵: ۲)، در حالی که بر روی چیزی شبیه یک دریای شیشه ای ایستاده و سرود موسی و بره را می خواندند — همه تصاویر یادآور عبرانیانی است که در کنار ساحل دریای سرخ (بحر احمر) ایستاده و پیروزی خدا بر مصریان را جشن گرفته بودند (خروج ۱۵).

این مقدسین پیروز، همان کسانی هستند که در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۱ تا ۵ با عنوان ۱۴۴۰۰۰ نفر اشاره شده‌اند. آن‌ها با نپذیرفتن نشان وحش، از تأثیرات مخرب هفت مصیبت در امان هستند. خیلی زود اجسام فانی ایشان تغییر خواهد یافت (اول قرن‌تین باب ۱۵ آیات ۵۱ تا ۵۴) و زمانی که عیسی در قدرت و جلال می‌آید، به مقدسین قیام کرده خواهد پیوست (اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۷).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ مارس آماده شوید.

یکشنبه

۱۰ مارس

معنای هفت مصیبت آخر

مردم هم اکنون انتخاب خود را کرده‌اند خواه برای خدا یا برای بابل. به هر حال پیش از اینکه مسیح بیاید، بادهای مخرب شرزه شیطان که مهار شده بودند (مکاشفه ۷: ۳-۱) رها می‌شوند، که هفت بلا را در پی خواهد داشت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۱ را به همراه خروج ۷ تا ۱۱ بخوانید. بلاهای مصر که پیش در آمد هفت بلای آخر در نظر گرفته شده‌اند در رابطه با هدف و معنی چگونه آموزنده در نظر گرفته شده‌اند؟

هفت مصیبت آخر به این دلیل بعنوان «آخر» قلمداد شده‌اند که درست در انتهای تاریخ زمین خواهند بود. در مقایسه، بلایای هفت شیپور دوره زمانی را پوشش می‌دهد که کل دوران مسیحیت را در بر گرفته و در قلمرو خود محدود بوده‌اند. آن بلایا فرو ریختند در حالی که انجیل همچنان موعظه می‌شد (مکاشفه ۱۰: ۸-۱۱: ۱۴) و شفاعت در حال وقوع است (مکاشفه ۸: ۵-۲). آن‌ها با رحمت در آمیخته و هدف آنان این است تا دشمنان امت خود را به توبه رهنمون سازند.

از سوی دیگر، هفت مصیبت آخر درست پیش از آمدن دوباره فرو خواهند ریخت، درست پیش از بازگشت ثانی. آن بلایا بر کسانی مانند فرعون که قلب خود را بر ضد محبت رهایی بخش خدا سخت نموده و نخواست تا توبه کند فرو ریخته خواهد شد (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۱). غضب الهی داوری عادلانه خدا بر انتخاب های آنان است (رومیان باب ۱ آیات ۲۶ تا ۲۸ را ببینید) و در آن زمان از دست رفتگان عواقب انتخاب های خود را درو می کنند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیات ۵ تا ۸ و خروج باب ۴۰ آیه ۳۴ و اول پادشاهان باب ۸ آیات ۱۰ و ۱۱ را بخوانید. این بیانیه که هیچ کس نتوانست تا وقتی که هفت بلای آن هفت فرشته تمام نشده بود وارد معبد بشود (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۸) چه پیشنهادی در مورد زمانبندی هفت مصیبت آخر می کند؟

عبارت هیچ کس نتوانست وارد قدس بشود (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۸) به پایان دوره آزمایش اشاره دارد (مکاشفه ۲۲: ۱۱). همانطور که خدمت میانجی گرانه مسیح در آسمان به پایان برسد، درب فرصت برای توبه برای همیشه بسته خواهد شد. بنابر این، مصیبت های آخر منجر به توبه کردن کسی نخواهند شد، بلکه تنها سختی قلب کسانی که بابل را انتخاب کردند را نشان داده و باعث می شود بیشتر از خدا متنفر شوند (مکاشفه ۱۶: ۹ و ۱۱).

امروز به اطراف جهان نگاه کنید که در حال بدتر شدن است. این واقعیت که مصیبت ها به تأخیر افتاده اند چه چیزی درباره رحمت و صبر خدا به ما تعلیم می دهد؟

جاری شدن آخرین مصیبت‌ها

با پایان یافتن شفاعت مسیح در معبد آسمانی، سرنوشت هر فرد برای همیشه تعیین می‌شود. زمان آن رسیده است کسانی که انجیل را رد کردند، غضب خدا را در پری آن تجربه کنند.

هفت مصیبت آخر انعکاسی از مصیبت‌های وارد شده بر مصر هستند (خروج باب‌های ۷ تا ۱۱). در حالی که بلایا بر مصریان ضربت زد در عین حال بنی‌اسرائیل در امان ماند، بنابراین امت خدا در طی این زمان مصیبت محافظت خواهند شد (مزامیر ۹۱: ۳-۱۰؛ جدال عظیم صفحات ۶۲۹ و ۶۳۰ را ببینید). مصیبت‌ها در مصر سخت دلی فرعون را آشکار نمودند و به مصریان ناتوانی خدایانشان در محافظت از آن‌ها را نشان داد. به همین ترتیب، آخرین مصیبت‌ها به طور فزاینده‌ای قلب‌های پرستش کنندگان وحش را سخت نمود و ناتوانی بابل در محافظت از ایشان در برابر داوری الهی را نمایان ساخت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱ تا ۱۱ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد و چگونه به تصویر کشیده شده است؟

چهار مصیبت اول به جمعیت زمین به طور عمومی ضربه می‌زنند. اولین مصیبت زخم‌های دردناک و نفرت‌انگیزی بویژه بر پرستش کنندگان وحش وارد می‌کند. مصیبت‌های دوم و سوم بر دریا و رودخانه‌ها و چشمه‌های آب تأثیر می‌گذارند که به خون تبدیل می‌شوند. بشر شورش کرده بدون آب آشامیدنی زنده نخواهد ماند. مصیبت چهارم بر خورشید اثر خواهد کرد تا مردم را بسوزاند و دردی غیر قابل تحمل بوجود آورد.

درد غیر قابل تحمل ناشی از بلایا قلب مردم را نرم نخواهد کرد تا رفتار طغیانگرایانه خود را تغییر بدهند. در عوض، آن‌ها خدا که این مصیبت‌ها را بوجود آورد را نفرین و لعنت می‌کنند. هیچکدام از آن‌ها نیز توبه نمی‌کنند.

در مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۰ و ۱۱ (خروج باب ۱۰ آیات ۲۱ تا ۲۳ را نیز ببینید) ما می توانیم ببینیم که مصیبت پنجم بر تاج و تخت وحش وارد خواهد آمد. این شیطان بود که تاج و تخت را به وحش سپرد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۲). اکنون حتی جایگاه قدرتمندانه شیطان نمی تواند در برابر نیروهای این مصیبت مقاومت کند. در حالی که مردم درد و رنج می کشند، متوجه ناتوانی بابل در محافظت از ایشان می شوند. با این وجود، ذهن های خود را بر علیه خدا سخت کرده اند و حتی وحشت از مصیبت ها نیز نمی تواند قلب هایشان را تغییر دهد.

چگونه می توانیم رابطه نزدیک خود را با خداوند حفظ کنیم که در صورت بروز مصیبت، به اندازه کافی از محبت خدا آگاهی داشته باشیم که حتی بتوانیم در میان رنج ها به او اطمینان کنیم؟

۱۲ مارس

سه شنبه

خشک شدن رود فرات

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۲ را به همراه باب ۱۷ آیات ۱ و ۱۵ بخوانید. نماد فرات نشان دهنده چیست؟ اهمیت و برجستگی خشک شدن فرات در چارچوب هفت مصیبت آخر چیست؟

در عهد قدیم، فرات راه حیاتی پشتیبانی برای دشمنان اسرائیل، بابل و آشور بود. رود از میان بابل جریان داشت و به این دلیل که محصولات کشاورزی را آبیاری می کرد و برای مردم آب فراهم می نمود، برای شهر دارای اهمیت بسزائی بود. بابل نمی توانست بدون فرات بقا داشته باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱ تشریح کننده بابل آخر زمان است که آب های فراوانی دارد و شاید مرجع فرات باشد (ارمیا باب ۵۱ آیه ۱۳ را ببینید). مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۵ توضیح می دهد که آب هایی که بابل آخر زمان بر

آن‌ها ساکن است نماد مردمی هستند که از آن حمایت می‌کنند؛ و قدرت‌های جهانی مدنی، دنیوی و سیاسی که پشت این نظام هستند. با این وجود، این قدرت‌ها در نهایت حمایت خود را قطع خواهند کرد.

صحنه بلای ششم، تسخیر بابل کهن توسط کورش پارسی را منعکس می‌کند (باب ۵ دانیال را ببینید). به گفته هرودوت، مورخ دوره عهد کهن، در شبی که پادشاه بلشصر و مقاماتش جشنی داشتند، پارس‌ها مسیر فرات را تغییر دادند و از طریق بستر رودخانه وارد شهر شدند و آن‌ها را غافلگیر کردند.

خشک شدن نمادین فرات در مکاشفه باب ۱۶ آیه ۲ منجر به سقوط بابل در آخر زمان می‌شود. از آنجایی که فرات در مکاشفه یوحنا نماد قدرت‌های مدنی، دنیوی و سیاسی جهان می‌باشد که از بابل حمایت می‌کنند، خشک شدن فرات، نماد از بین رفتن حمایت آن‌ها و حمله متعاقب آن علیه بابل و در نتیجه سقوط آن می‌باشد.

همانطور که مردم جهان شاهد تحولات در طبیعت هستند (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۰ و ۱۱ را ببینید)، برای محافظت روی به بابل می‌آورند. با این وجود، پس از اینکه مصیبت پنجم بر جایگاه قدرت بابل وارد می‌شود، آن‌ها بیهودگی درخواست کمک از بابل را می‌بینند. آن‌ها که حس می‌کنند فریب خورده اند، بر علیه بابل متحد شده و باعث سقوط آن می‌شوند (مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۶ را ببینید). با این حال، همانطور که دیده‌ایم، قلب‌هایشان علیه خدا و قومش سخت خواهد ماند. به این ترتیب، آن‌ها مانند خاک حاصلخیزی برای فریب نهایی می‌شوند که به موجب آن شیطان جهان را بر ضد امت خدا متحد ساخته تا آنان را از صفحه روزگار محو کند.

شما به چه روش‌هایی آموختید که اطمینان کردن به انسان‌ها و نهادهایشان خطرناک است؟

۱۳ مارس

چهارشنبه

آخرین فریب بزرگ شیطان

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۲ به ما می‌گوید که هدف از خشک کردن فرات مهیا نمودن راه برای پادشاهانی است که از مشرق می‌آیند. در عهد قدیم، پادشاهانی که از مشرق می‌آیند، کوروش و قوای او بودند که از شمال می‌آمدند، سپس از شرق به بابل نزدیک می‌شدند (اشعیا باب ۴۱ آیه ۲۵). فتح کردن بابل توسط ایشان، بازگشت قوم

خدا به سرزمین مادری شان را ممکن ساخت (اشعیا باب ۴۴ آیات ۲۷ و ۲۸). به همین ترتیب، خشک شدن نمادین فرات راه را برای آمدن پادشاهان از مشرق فراهم می کند تا راه رهایی را برای امت آخرالزمان خدا مهیا سازند.

پادشاهان مشرق زمین در مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۲، مسیح و لشکر فرشتگان آسمانی وی می باشد. در بازگشت ثانی وی، عیسی با سپاه فرشتگان آسمانی ظهور خواهد کرد، که ملبس به لباس کتان پاک و درخشان خواهند بود (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۱۴) که لباس فرشتگان بی گناه است (مکاشفه ۱۵: ۶). مسیح که در معیت سپاه آسمانی بود، همانطور که مکاشفه ۱۷: ۱۴ نشان می دهد، بر قوای شیطانی که به امت او ستم می کردند غلبه می یابند (متی ۲۴: ۳۰ و ۳۱). این نبرد نهایی بر ضد مسیح و امت او به جنگ دوم می انجامد که به نام نبرد آرماگدون یا جنگ نهایی بین خیر و شر مشهور است.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۳ و ۱۴ را ببینید. نقش سه روح ناپاک در تدارک برای نبرد آرماگدون چه بود؟ آنان چگونه پیام سه فرشته را در مکاشفه ۱۴ جعل شیطانی نمودند؟ (اول تیموتائوس ۴: ۱ را ببینید)

از طریق رویدادهای نهایی که به ختم آزمایش منتهی می شود، هر بنی بشری سوق داده می شود تا جهتی را که می خواهد در نبرد آرماگدون بایستد انتخاب کند. بعنوان پیش در آمد برای این نبرد روحانی، یوحنا سه روح اهریمنی می بیند که شبیه وزغ هستند. آخرین تلاش شیطان برای فریب، روح های کذاب و اهریمنی هستند.

اژدها (بت پرستی و روح گرائی)، وحش دریا (کاتولیک روم)، و پیامبر کذاب (چروستان مرتد) تحت فرمان شیطان متحد می شوند (مکاشفه ۱۳: ۱۱ و ۱۲). شیطان وحش شبیه بره را قدرت می بخشد تا نشانه های معجزاتی را از خود بروز دهد (مکاشفه ۱۳: ۱۳-۱۷) که شامل آشکارگری های روحگرایانه است. این علامات بخشی از راهکار های فریبنده آخر الزمانی شیطان است تا جهان را ترغیب کند تا او را در عوض خدای واقعی پیروی کنند.

رهبران جهان که با نفرت از خدا و حقیقت کور شده اند، به سادگی دروغهای شیطان را باور می کنند که در زیر ردای دلپذیر دینی تغییر قیافه داده اند (دوم تسالونیکیان ۲: ۹-۱۲). نهایتاً آنان برای نبرد نهایی که به پایان این جهان منتهی می شود متحد می شوند.

پنجشنبه

۱۴ مارس

گرد هم آمدن برای نبرد آرماگدون (نبرد نهایی بین خیر و شر)

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۶ را بخوانید. فریب نهایی شیطان در گرد هم آوردن مردم جهان برای نبرد آرماگدون تا چه حد موفق خواهد بود؟

معجزات شیطانی فریبنده موفقیت جهانی کسب خواهند نمود. مردم با روی برگرداندن از تعالیم کتاب مقدس، دروغی را باور خواهند نمود که با معجزات فریبنده همراه خواهد بود (دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۲ را ببینید). آن‌ها از روی قصد با هم متحد خواهند شد، که گردهمائی آنان در «مکانی» نمادین شده، که در زبان عبری آرماگدون به معنی کوه مگیدو است. مگیدو کوه نبود بلکه شهر یقلعه‌ای است که در درّه یزرعیل (یا فلات عزدرئیلون) در پای سلسله جبال کرمل واقع بود. این مکان استراتژیکی مهمی محسوب می‌شد. دشت عزدرئیلون بواسطه بسیاری از نبردهای نهایی قاطع در تاریخ اسرائیل شناخته شده بود (داوران باب ۵ آیه ۱۹ و باب ۶ آیه ۳۳، دوم پادشاهان باب ۹ آیه ۲۷ و باب ۲۳ آیات ۲۹ و ۳۹ را ببینید).

مکاشفه یوحنا از این پیشینه تاریخی استفاده می کند تا یک نبرد نهایی بزرگ را ترسیم کند که آرماگدون نامیده می شود، نبردی بین مسیح و قوای اهرمین. مردم جهان به صورت لشکری متحد تحت رهبری اتحاد شیطانی به تصویر کشیده شده‌اند.

به نظر می‌رسد که کوه مگیدو اشاره ای تلویحی به کوه کرمل است که همچون باروهایی بر فراز دره ای است که شهر کهن مگیدو در آن واقع گردیده بود. کوه کرمل مکان یکی از عظیم ترین رویارویی در تاریخ اسرائیل، بین پیامبر واقعی خدا (الیاس) و انبیای جعلی بعل بود (اول پادشاهان ۱۸). این آزمایش قوا به این سوال پاسخ داد که «چه کسی خدای واقعی است؟». آتشی که از آسمان آمد نشان داد که چه کسی خدای واقعی بود و تنها کسی که باید پرستش می‌شد. در حالی که مسئله روحانی نبرد آرماگدون در این باره است که – آیا از خدا یا از انسان پیروی خواهیم کرد؟ – تصمیم گرفته شده است قبل از فرو افتادن بلایا، آنانی که طرف اژدها، وحش و پیامبر جعلی قرار می‌گیرند (مکاشفه ۱۶: ۱۳)، آیا بطور کلی توسط اهریمن کنترل می‌شوند (همانطور که یهودا، مصلوب شدن عیسی را رهبری می‌کرد [لوقا ۲۲: ۳]).

وقتی که تصمیم گرفتند تا مکان باخت را انتخاب کنند، آنان در میان کسانی خواهند بود که به کوه ها فریاد می‌زنند تا آنها را پنهان کنند (مکاشفه ۶: ۱۶؛ همچنین دوم تسالونیکیان ۱: ۷ و ۸ را بخوانید). قبل از فرو افتادن بلایا، به هر حال، مکاشفه ۱۳: ۱۳ و ۱۴ وحش را به تصویر می‌کشد که آتش از آسمان می‌آورد تا جهان را فریب دهد که فکر کنند که این کار جعلی شیطان، که شامل احیای جعلی است و با روح دیگری رهبری می‌شود، کار خداست.

آرماگدون نبردی نظامی نیست که در جایی در خاورمیانه در جریان باشد، بلکه نبردی روحانی میان مسیح و نیروهای تاریکی می‌باشد (دوم قرنتیان باب ۱۰ آیه ۴ را ببینید). نتیجه نبرد نهایی مانند نبرد در کرمل خواهد بود – پیروزی نهایی خدا بر نیروهای تاریکی.

برای سال‌های بسیار، مردم شاهد آشفتگی سیاسی و نظامی در خاورمیانه به عنوان نشانه‌ای از پایان تاریخ و آرماگدون بوده‌اند. علی‌رغم بسیاری از پیشگویی‌ها و پیشنهاد تاریخ، آرماگدون آن چنان که آن‌ها مد نظر داشتند، نیامده است. ما چگونه می‌توانیم خود را در برابر ارتکاب اشتباهی مشابه در ارتباط با تفسیر این رویدادهای محلی به عنوان تحقق پیشگویی کتاب مقدس جلوگیری کنیم؟

۱۵ مارس

جمعه

تفکری فراتر: «هیچ کس بلکه کسانی که ذهن خود را با حقایق کتاب مقدس محفوظ داشته اند، می‌توانند در میانه نبرد عظیم پایدار بمانند. هر جانی محک خواهد خورد که: آیا در عوض خدا از انسان اطاعت کنیم؟»

... پولس رسول با مشاهده آیام آخر اعلام نمود: زیرا زمانی خواهد آمد که آدمیان به تعلیم درست گوش نخواهند داد. دوم تیموتائوس ۴: ۳. آن زمان فرا رسیده است. توده ها حقیقت کتاب مقدس را نمی خواهند، بخاطر اینکه خواهش های گناه آلود آنان را مختل می کند، آنان که قلب های دنیا پرست دارند؛ و شیطان فریب هایی که آنان دوست دارند را فراهم می کند.

ولی خداوند مردمی را بر این زمین خواهد داشت تا کتاب مقدس را حفظ کنند، و فقط کتاب مقدس، که معیار و استاندارد تمامی اصول اعتقادی و اصل تمامی اصلاحات است. نظرات و اعتقادات انسان تحصیل کرده، یافته های علوم، کیش ها یا شوراهای کلیسائی، که بیشمار و ناموزون با کلیساهایی هستند که معرف آن می باشند، صدای اکثریت - نه یکی و نه همه این ها نباید بعنوان اثباتی برای یا بر علیه هر گونه نقطه نظرات ایمان مذهبی باشد. پیش از پذیرش هر اصل اعتقادی یا قاعده اخلاقی، باید برای تقویت و تحکیم مطلب، « خداوند فرموده است » را مطالبه کنیم...

بعنوان عمل تاجگذاری در این نمایش بزرگ فریب و اغوا، شیطان خودش شخصیت مسیح را جعل و تقلید می کند. کلیسا برای مدتهای مدید چشم انتظار ظهور منجی بعنوان اوج و کمال امید خود بوده است. در قسمت های مختلف زمین، شیطان خود را در میان انسانها بعنوان موجودی شکوهمند با جلوه ای خیره کننده آشکار خواهد نمود، که شباهتی با پسر خدا خواهد داشت که توسط یوحنا در مکاشفه داده شده است. مکاشفه ۱: ۱۳-۱۵. شکوه و جلالی که او را احاطه کرده است چنان بی حد و حصر است که چشمان فانی بتواند مشاهده کند. فریاد پیروزی در هوا طنین می اندازد: مسیح آمده است! مسیح آمده است! مردم خود را برای تمجید او به زمین می اندازند ... با لحنی آرام و مهربان، او برخی از همان حقایق آسمانی و فیض بخش را که مسیح ادا نمود ارائه می کند؛ او بیماری های مردم را شفا می دهد، و بعد، با خصوصیات فرضی خود از مسیح، مطالبه می کند تا روز سبت به یکشنبه تبدیل شود، و فرمان می دهد تا همگان آن روزی را که برکت داده مقدس بدانند. او اعلام می دارد که کسانی که بر نگهداری مقدسانه روز هفتم اصرار بورزند نام او را با عدم گوش سپاری به فرشتگان او که با نور حقیقت نزد آنان فرستاده شده اند، بی حرمت ساخته اند. این مطلب توهمی بیش از حد و قوی بیش نیست » الن جی وایت.

Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 593-595, 624.

سوالاتی برای بحث

۱- هشدار عیسی در مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ مندرج در توصیف آماده سازی برای نبرد آرماگدون را بخوانید. به کلمات مشابه مسیح در درخواست قبلی از کلیسای لائودیکیه توجه کنید (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۱۸). کلام مسیح چگونه اهمیت پیام لائودیکیه را برای امت خدا که در زمان آمادگی برای نبرد نهایی زندگی می کنند نشان می دهد؟ این پیام به چه روش هایی برای شما شخصاً کاربرد دارد؟

۲- جامه های پاک و سفید در مکاشفه یوحنا نماد عدالت مسیح هستند (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیات ۴ و ۵؛ باب ۱۹ آیات ۷ تا ۹). تنها کسانی که خود را با ردای عدالت مسیح می پوشانند، قادر خواهند بود در بحران نهایی استوار بمانند. افراد چگونه ردای خود را در خون بره سفید و تمیز می کنند (مکاشفه یوحنا باب ۷ آیه ۱۴)؟